

دالاس، آناکسیمندروس، و آناکسیمنیس

در منابع دوره اسلامی

احمد عسگری

(عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی)

سرشناسه	: عسگری، احمد، ۱۳۵۵ -
عنوان و نام پدید آور	: طالس، آناکسیمندروس، و آناکسیمنس در منابع دوره اسلامی / احمد عسگری.
مشخصات نشر	: تهران: کتاب سبز، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۱۳۶ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۶۴۰۹-۷۰-۲
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: فلسفه یونانی -- تاریخ
موضوع	: *Philosophy, Greek -- History
موضوع	: طالس، ۶۳۴ - ۵۴۶ ق.م.
موضوع	: Thales
موضوع	: آناکسیمندروس، ۶۱۱ - ۵۴۷ ق.م.
موضوع	: Anaximander
موضوع	: آناکسیمنس، قرن ۶ ق.م.
موضوع	: Anaximenes, of Miletus
موضوع	: فلسفه قدیم -- تاریخ
موضوع	: Philosophy, Ancient -- History
موضوع	: فیلسوفان یونانی -- نقد و تفسیر
موضوع	: Philosophers -- Greece -- Criticism and interpretation
رده بندی کنگره	: ۱۷۱
رده بندی دیویی	: ۱۰۰
شماره کتابشناسی ملی	: ۶۴۰۹-۷۰-۲



طالس، آناکسیمندروس، و آناکسیمنس در منابع دوره اسلامی.

نویسنده: احمد عسگری

ناشر: کتاب سبز

قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول

طراحی جلد:

چاپ و صحافی: کتاب سبز

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۴۰۹-۷۰-۲

فهرست مطالب

۷	 مقدمه
۱۳	 ۱. طالس
۱۵	 شرح حال
۲۱	 شخصیت علمی
۲۵	 فلسفه طالس
۳۶	 ارتباط با شرق
۴۵	 ۲. آناکسیمندروس
۴۷	 فعالیتهای علمی
۴۸	 تبیین آناکسیمندروس از جهان با اساس آپیرون
۵۰	 آپیرون
۵۴	 الوهیت در آناکسیمندروس
۵۷	 ۳. آناکسیمنس
۵۹	 چرا آناکسیمنس هوا را به عنوان مبدء جهان در نظر گرفت؟
۶۳	 ۴. فلاسفه حوزه ملطیه در منابع اسلامی
۶۳	 منابع ترجمه شده یونانی
۶۵	 فلاسفه ملطی در کتب تراجم
۱۰۳	 ۵. مواجهه ابن سینا و ملاصدرا با فلاسفه ملطی
۱۰۳	 بررسی ابن سینا از رأی طالس در خصوص مبدء موجودات
۱۰۶	 تفسیر ملاصدرا از آراء فلاسفه ملطی
۱۱۴	 روایت حاجی سبزواری از علم الهی نزد طالس و آناکسیمنس

۱۱۷	نتیجه
۱۱۹	ضمیمه
۱۲۱	منابع
۱۲۵	نمایه امکنه
۱۲۷	نمایه نام اشخاص
۱۳۱	نمایهٔ نا، کتب
۱۳۳	نمایهٔ موضوعات

www.ketab.ir

مقدمه

در این تحقیق تلاش شده است که آراء فلسفه حوزه مَلَطِيَه در عالم اسلام دنبال شود. آراء این فلاسفه در کتب تاریخ فلسفه و تراجم ذکر شده و برخی از فلاسفه مسلمان به آراء آنها توجه داشته اند. اما امروزه با نقد و ارزیابی منابع قدیم به بررسی از استثنائاتی که در گذشته به برخی فیلسوفان خصوصاً طالس صورت گرفته به، پذیرفته نیست. در اینجا سعی شده است ابتدائاً گزارشی از آراء فلاسفه ملطی بر اساس منابعی که امروزه نزد محققین معتبر است ارائه شود و سپس در قسمت دوم منابع دوره اسلامی در خصوص آراء این فلاسفه بررسی شده است.

در بخش نخست، که جنبه مقدماتی دارد، سعی شده است که آراء فلاسفه ملطی در زمینه های مختلف نقل و در مواردی تحلیل شود. از فلاسفه ملطی اثری مکتوب باقی نیست، آنچه دست یا نقل قولهایی است که بصورت «قطعات» یا «پاره ها» fragments در برخی کتب ضبط شده است و یا اظهار نظرهایی است که مثلاً ارسطو و دیگران درباره آراء آنها داشته اند.

در دوره جدید هرمان دیلز¹ قطعات باقی از آراء فلاسفه پیش از سقراط را جمع آوری و در مجموعه ای تحت عنوان *Die Fragmente der Vorsokratiker* آورده است. این اثر مهمترین منبع این مقطع از تاریخ فلسفه در دوره جدید است که کارهای بعدی از آن بهره مند است. مجموعه دیگری که به زبان انگلیسی نگاشته شده است و مورد استناد در پژوهشهای

آکادمیک است کتاب *The Pre-Socratic Philosophers* نوشته G.S.Kirk و J.E.Raven است. در این کتاب بسیاری از قطعات باقی از فلاسفه پیش از سقراط نقل شده است و ترجمه انگلیسی آنها نیز بیان شده. البته این قطعات در مورد هر فیلسوف تحت عناوین مختلف آورده شده اند و سپس مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته اند. عمدتاً قطعات منقول در این کتاب مدع استناد به آراء فلاسفه ملطی در اینجا است. البته به کتاب مذکور به دو محل رجوع داده شده است: گاهی به قطعات منقول استناد داده شده و گاهی به متن کتاب. زمانی که به قطعه ای ارجاع داده می شود حرف اول نام مؤلفین و شمار قطعه ذکر می شود، مثلاً بصورت K&R, 63 که عدد ۶۳ نشانگر شمار قطعه در منبع است، اما اگر به صفحات کتاب و تحلیل نویسندگان آن ارجاع داده شود شماره صفحه ذکر می شود که با حرف «p» مشخص است و نام مؤلفین ذکر می شود، مثلاً Kirk&Raven, p.63 که ۶۳ نشانگر شماره صفحه است.

کتاب تاریخ فلسفه آغاز فلسفه را از یونان باستان میدانند. بطور مشخص اندیشه فلسفی از شهر میلتوس (ایونیا) که در منطقه ایونیا Ionia در آسیای صغیر واقع شده بود^۲ آغاز شد. اینکه به چه معنی میتوان نقطه ای را بعنوان آغاز فلسفه نشان داد و اینکه آیا اساساً چنین نقطه آغازی وجود داشته است، محل بحث و اختلاف نظر بین محققان است. اما ارسطو تفسیری از شکل گیری اندیشه فلسفی و تاریخ فلسفه ارائه کرد که کم و بیش در طول تاریخ مورد پذیرش مورخین تاریخ فلسفه بوده است. ارسطو اندیشه متفکرین و دانشمندان و فلاسفه پیش از خود را باز خوانی میکند و سعی میکند نشان دهد که این متفکرین بدنبال پاسخ به چه پرسشی بوده

۲ - منطقه باستانی ایونیا جایی قرار داشت که امروزه جزء کشور ترکیه است و شهر از میر در نزدیک آن منطقه بنا شده است. این منطقه در ساحل بحر الجزائر (دریای اژه) در آسیا بود، اما جزء یونان بود و مردم آن فرهنگ و زبان یونانی داشتند.

اند. در باز خوانی ارسطو از اندیشه متفکرین قدیم او طالس را بعنوان آغازگر فلسفه طبیعی اعلام میکند که اندیشه و روش تفکرش در مقابل شاعران الهی قرار دارد که شکل دهنده دوران تفاسیر اسطوره ای از هستی و جهان بودند. شاعران الهی چون امروس و هزیودوس نیز به تفسیر جهان و علل موجودات توجه داشتند، اما هم در روش و هم در زبان گفتار و تعلیم خود با فیلسوفان تفاوتی اساسی داشتند. طالس که آغازگر فلسفه است اگر چه از اینجهت که به شناخت جهان در کلیت آن نظر داشت، شباهتی به شاعران الهی دارد، اما در دو نکته با آنها تفاوت دارد: نخست آنکه طالس نه بر مبنای باور و ایمان، بلکه بر مبنای دلیل و استدلال سخن میگوید. طالس در تبیین پدید آمدن جهان بر مبنای مان بدنبال علل ماورایی که تنها میتوانند متعلق باور باشند و فقط افراد خاص را به دست یافتن به آنها هستند، نیست، بلکه از علل طبیعی که همه انسانها میتوانند در باره آن بیندیشند و صحت و سقم ادعای مربوط را بسنجند استفاده میکند. طالس ثانیاً طالس از زبان علمی استفاده میکند، بر عکس شاعران الهی که از زبان رمزی استفاده میکنند.

به این ترتیب طالس نوع اندیشه ای را آغاز میکند که تاریخ فلسفه را شکل میدهد. طالس بدنبال علت است، اما علت یک شیء خاص بلکه علة العلل که علت همه موجودات است. ارسطو در کتاب مابعدالطبیعه و نیز در کتاب سماع طبیعی میگوید وقتی سخن از علت به میان میاید چهار نوع علت میتوان طرح کرد: علت صوری، علت مادی، علت محرک، و علت غایی. اما طالس وقتی بدنبال علت است کدام علت را میجوید؟ او علة العلل را آب میداند که اصل و آرچه *αρχή* جهان است و همه موجودات و عناصر از آن پدید آمده اند. بنابراین همانطور که ارسطو گفته است آنچه طالس متوجه آن بود علت مادی اشیاء است.

آناکسیمندروس سخن از آپیرون به میان میآورد، زیرا معتقد است که آب عنصری در کنار سه عنصر دیگر یعنی هوا، خاک و آتش است و اگر آب

اصل بود مجالی برای ظهور سایر عناصر در کنار آب وجود نداشت. بنابراین آرخبه و اصل باید چیزی در ورای این عناصر باشد و این عناصر هر یک تعین و شکلی از آن هستند. این اصل را آناکسیمندروس آبایرون یعنی نامحدود یا نامتعین نامید.

آناکسیمنس دیگر فیلسوف ملطی است که پس از طالس و آناکسیمندروس قرار دارد. او اصل موجودات را هوا دانست. درباره اینکه چرا او را در مقابل آبایرون آناکسیمندروس به عنوان اصل پذیرفت، احتمالات مختلفی گفته شده است، از جمله آنکه وی تلاش کرد تبیینی تجربی تر نسبت به آناکسیمندروس ارائه کند.

حوزه اندیشه ملطی با ابن سه فیلسوف به پایان میرسد. پارسیان آسیای صغیر و از جمله ارییا را تسخیر میکنند و پس از مدتی شکوه و عظمت این منطقه رو به افول میگردد و دیگر هرگز سر بر نمی آورد، اما اندیشه فلسفی و علمی که در این منطقه آغاز شده بود به قسمتهای دیگر یونان منتقل میشود و ادامه میابد.

تفکر فلسفی که در یونان باستان تحت تأثیر است محدود به آن تمدن نشد، بلکه در سرزمینهای دیگر و در ازمنه دیگر در سایر تمدنها نیز وارد شد، از جمله در تمدن اسلامی. مسلمانان با ترجمه آثار فلاسفه یونانی و یونانی ماب با اندیشه فلسفی آشنا شدند. در دوره ترجمه اگر آثار ارسطو، احتمالاً برخی رسالات افلاطون، برخی کتب محوری افلاطون، چون اثولوجیا و اصول الهیات (خیر محض) و نیز برخی تفاسیر از اندیشه های فلسفی مانند شروح اسکندر افروдіسی بر آراء ارسطو، از یونانی و یا سریانی به عربی ترجمه شد.

مسلمانان پس از آشنایی با تفکر فلسفی یونان در دوره بعد خود به تفکر فلسفی پرداختند و فیلسوفانی چون کندی، فارابی، ابن سینا و ابن رشد در تمدن اسلامی ظهور کردند.